

سبک رفتار



کم‌لطفی‌های امروز والدین، کمبودهای فردای فرزند

شما ارباب فرزند خود نیستید

■ **نگین خلیج سرکنی**

کودک در گوشه‌ای می‌نشیند، در فکر غرق می‌شود و هیچ کسی نیست که غریق نجات او شود. او ساعت‌ها در گوشه‌ای با افکار خود پناهگاهی می‌سازد و آفت‌در دوست‌های مهربان خیالی را باور می‌کند که انگار دنیای واقعی وجود ندارد و پدر و مادر فقط دیو و غول خیالی ماجرا هستند. کودک با دوستان خیالی خود نقشه نابودی پدر و مادر را طراحی می‌کند و روزی هزار بار آنها را به خاطر رفتارهای خشنشان مجازات می‌کند. رفتارهایی که مانند توپ و تانک دوباره شوق، نیر، عشق و احساسات کودک را نابود می‌کنند. کودک حق دارد که بخواهد از خود دفاع کند اما بسیار ضعیف‌تر از این حرف‌ها است که در واقعیت روی پای خود بایستند و حق خود را بگیرد. به همین دلیل در خیال یا واقعیت مجازی که ساخته است آنها را تنبیه می‌کند. همانطور که والدین او را تنبیه کرده‌اند. کودک برای چیزی تنبیه می‌شود که حق مسلم او بوده است. او حق دارد آزمون و خطا داشته باشد و راه‌های مختلف را امتحان کند. پس اگر شکست می‌خورد یا خرابکاری می‌کند، نباید تنبیه‌شود، بلکه باید یاد بگیرد چه راهی درست و چه راهی غلط است. این مسیری است که والدین هم‌طی کرده‌اند. پس باید او را پذیرفت و به او حق داد.

■ **کمی وارد دنیای کودک شوید**

والدین نباید واقعیت خود را به کودک تلقین کنند، بلکه باید وارد دنیای او شوند و کمی از دید پاک و کنجگاو کودک مسائل را نظاره کنند. خیلی وقت‌ها کودک دچار دوگانگی می‌شود و نمی‌داند کدام رفتار والدین را باور کند. او گاهی به طور افراطی پاداش دریافت می‌کند و یاد می‌گیرد که به ازای آبروداری پاج دریافت کند و گاهی آنقدر تنبیه می‌شود که حتی دیگر در جمع حرف هم نزنند، چه پرسد به اینکه کاری هم انجام دهد، اما دوست‌های خیالی او اینگونه نیستند و واقعی‌تر از والدین شده‌اند. آنها

سبک فرزند پروری

■ **دکتر علی صدرا**■

تربیت فرزند امری بسیار حائز اهمیت است که خانواده‌ها باید بیش از پیش به آن توجه کنند. شاید در جواب این سؤال که تربیت فرزندمان را از چه زمانی شروع کنیم، جواب ابتدایی ما این باشد که خب از زمانی که زاده می‌شود یا زمانی که کمی از آب و گل در آمده باشد؛ اما واقعیت این است که شروع تربیت فرزند از سال‌ها پیش از ازدواج آغاز می‌شود!پدر یا مادر شما اتفاق افتاده باشد یا از اطرافیان خود شنیده باشید که به پسر یا دختر نوجوان یا جوانشان بگویند: «پسر، دخترم، این کار رو نکن! من هم سن و سال شما بودم، این کار رو کردم و دودش به چشم رفته و ضررش رو دیدم...» یا ممکن است به فرزندتان گفته باشید یا از اطرافیانان شنیده باشید که به پسر یا دختر نوجوان و جوانشان اشاره کنند و بگویند: «درست کارهایی می‌کند که مرا یاد نوجوانی و جوانی خود می‌دهد که بارهای از رفتارهای دوره نوجوانی به‌خوبی نشان می‌دهد که بارهای از رفتارهای دوره نوجوانی و جوانی ما به صورت ناخوبیار از ما به نسل ما منتقل می‌شود. حتی می‌شود گفت برخی از رفتارهای فرزندمان ما نمانده است و ناخوباست از نیاکان و بستگان...» به آنها منتقل می‌شود. طوری که بارهای از رفتارهای فرزندانمان ما را به یاد خدا بیاورم؛ پدر بزرگ یا مادر بزرگمان می‌اندازد. مثلاً می‌گویم: «نظم و ترتیب، سلیقه‌اش، شوخی و خنده‌اش، دست و دلبازی‌اش و... مرا یاد خدا بیاورم؛ پدر بزرگ می‌اندازد.» پس اولین مرحله برای تربیت فرزندمان این است که روی رفتار و شخصیت خودمان کار کنیم. اینکه بدانیم، چقدر خلق و خوی ما، میزان توانمندسازی‌مان، تقویت استعدادها و پرورش اخلاق در خودمان تأثیرگذار بر روی آینده فرزندمان است، همینطور فرزندمان را باید به گونه‌ای تربیت کنیم که نسل پس از او هم از تربیت صحیح بهره‌مند شود. یادمان باشد تربیت فرزند یعنی، تربیت نسل!مرحله دوم در تربیت فرزند،انتخاب همسر است. بدین معنا

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۶۹۴۷۱

کتاب زندگی

بعضی وقت‌ها والدین بسه نوعی کودک را مجازات می‌کنند که انگار آنها ارباب هستند و کودک برده!اما اینطور نیست. همانطور که شما انتظار احترام دارید او هم در جای خود محترم است. کودک هم یک انسان است و نباید تنبیه فیزیکی شود. پدر و مادر حق ندارند با تنبیه یا پرسش‌های بازخواستی او را تحقیر کنند

کتاب‌ها

کند. اثر غیر مستقیم قصه بسیار به‌یادماندنی‌تر از داد و فریاد است. کودک همیشه حرف‌های والدین خود را در ذهن دارد، فقط گاهی به خود اجازه می‌دهد همانطور که آنها با تحقیر او هم کودک از بین می‌رود و هم والدین و اینگونه بازی دو سر باخت است. این را بدانید که گوش‌های کودک در و دروازه نیست که مدام این را بر سر او بکوبید. او هم می‌شوند و هم متوجه می‌شود. پس بهتر است در تنبیه‌های خود کمی دقت داشته باشید و ببینید از چه کلماتی استفاده می‌کنید و تنبیه شما جنبه آموزش مثبت داشته باشد و نه آموزش بد کلامی و تحقیر کردن.

■ **لوله تانک تحقیر را سمت کودک نشانه نگیریم**

ما انسان‌ها همیشه بخشش را از خداوند طلب می‌کنیم اما حواسمان نیست که گاهی خودمان هستیم که باید از همنوع خود بگذریم و به او رحم کنیم تا خداوند ما بگذرد. والدین چنان یک کودک را مجازات و تحقیر می‌کنند که انگار خودشان عاری از هر گونه خطا هستند و کمی رحم بی‌ادبی و تحقیر خود را به سمت کودک نشانه می‌روند که اگر او بزرگ‌ترین دشمن بشریت است، در صورتی که او فقط دارد آزمون و خطای خود را امتحان می‌کند و تا زمین نخورد، هرگز راه رفتن را یاد نمی‌گیرد. پس این بزرگ‌ترها هستند که با بخشیدن کودک باید درس‌های مهم‌تری به او بدهند. این بخشش به معنی نادیده گرفتن خطای او نیست، بلکه می‌توان خطای او را به درس عبرت تبدیل کرد نه به خاری در چشم او. بخشش از طرف والدین به کودک یاد می‌دهد که با بخشیدن می‌توان فضای ذهن خود را خالی کرد و آن را قوی‌ساخت. چون بخشیدن ویژگی انسان‌های قوی است و اثر ماندگارتری نسبت به توهین و تحقیر و دعوا دارد.

■ **قصددرمانی راه خوبی برای درک خطاهاست**

انتخاب کردن راهی برای تشویق و تنبیه از مهم‌ترین نکات فرزند پروری است. یکی از مؤثرترین راه‌ها قصددرمانی است. شما می‌توانید خطای کودک خود را در شکل و قالب قصه برای او بیان کنید و از خود او بخواهید تا ماجرا را اقتضات

کتاب زندگی

معرفی ۲ کتاب تربیتی از عبدالعظیم کریمی

تربیت طبیعی، تربیت نامرئی، تربیت عاریه‌ای

پیرامون این دو روش ارائه می‌شود. استفاده از سخنان بزرگان و اندیشمندان می‌تواند بر نفوذ مطالب ارائه شده از سوی نویسنده در دل مخاطب تأثیر بسزایی داشته باشد؛ از این رو در سراسر کتاب و به‌خصوص در صفحات پایانی آن به این نکته‌ها و راهبردهایی که از سوی مریمان بزرگ است اشاره شده است.

■ **الگوهای نمادین در تربیت نامرئی**
کتاب «الگوهای نمادین و غیر کلامی در تربیت نامرئی» از کتاب‌هایی است که در حوزه ارتباط غیر کلامی به نگارش در آمده است. در این کتاب مؤلف، که خود ادعای بزرگی در این حوزه ندارد، سعی کرده است که از فضای ارتباط‌های غیر کلامی در حوزه تعلیم و تربیت استفاده کند. کریمی در این کتاب اشاره می‌کند که تعلیم و تربیت مستقیم و روش‌های جاری در تعلیم و تربیت عوارض اسپیزیایی دارد که باید از آنها پرهیز کرد و به جای آنها باید از الگوهای نمادین و غیر کلامی استفاده شود؛ چراکه تأثیر و نفوذش بیشتر است. در این کتاب انواع شیوه‌های تربیتی از طریق ارتباط غیر کلامی (دیداری، تصویری، نمادین) در قالب پیام‌های غیر مستقیم با سبک‌های زبان شناختی و زیبایی‌شناسی تقسیم‌بندی‌های نماد و نشانه در زبان‌شناسی و علم ارتباطات و نحوه استفاده از زبان نمادین در فرایند تربیت دینی معرفی شده است. در فصل دوم روش‌ها و راهبردهای عملی در جریان تعلیم و تربیت غیر کلامی به‌خصوص در فرایند تدریس و آموزش در قالب کلاس درس و نوع ارتباط معلم بسا فضای کلاس ارائه گردیده است. در فصل سوم از جلوه‌ای گویا و عمیق در زبان نمادین یعنی سکوت و خاموشی صحبت به میان آمده است. در فصل چهارم اهمیت «بما» و «نگاه» و نقش این دو ضرورت پرداختن اساسی به روش‌های تعلیم و تربیت طبیعی مورد اشاره قرار می‌گیرد. و نقش این نوع تربیت بر شکل‌دهی درونی رفتارها و ارزش‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش اصلی کتاب روش دوم آن تشکیل می‌دهد که به تمایزات اساسی بین روش تربیتی طبیعی و عاریه‌ای می‌پردازد و مباحثی

■ **حسین گل‌محمدی**
دکتر عبدالعظیم کریمی دانش‌آموخته رشته روان‌شناسی مؤلف پیش از ده‌ها کتاب و صدها مقاله در حوزهٔ روان‌شناسی و تعلیم و تربیت است که از جمله می‌توان به «تربیت چه چیز نیست؟»، «آموزش به مثابه پرورش»، «تربیت در طبیعت»، «روان‌شناسی رشد»، «تربیت طبیعی در مقابل تربیت عاریه‌ای» و «الگوهای نمادین در تعلیم و تربیت نامرئی» اشاره کرد که ما در اینجا به دو اثر اخیر این نویسنده و پژوهشگر علوم تربیتی و روان‌شناسی می‌پردازیم. کتاب «تربیت طبیعی در مقابل تربیت عاریه‌ای» از سوی انتشارات انجمن اولیا و مربیان و کتاب «الگوهای نمادین در تعلیم و تربیت نامرئی» از سوی نشر عابد روانه بازار شده‌است.

■ **تربیت طبیعی در مقابل تربیت عاریه‌ای**

کتاب حاضر با عنوان «تربیت طبیعی در مقابل تربیت عاریه‌ای» به مباحث تربیتی از زاویه جدیدی نگاه می‌کند و آن هم مقایسه و مقابله دو نوع تربیت با هم است. واژه «تربیت طبیعی» به این معناست که کودک باید طوری تربیت شود که بتواند فطریات و درونیات خودش را زنده کند. در واقع در این روش تربیتی، مربی چیز جدیدی به مربی آموزش نمی‌دهد، بلکه کودک را به کشف و اکتشاف داشته‌هایش می‌رساند، و این مسیر سفر به درون را برای کودک هموار می‌کند. در مقابل، تربیت عاریه‌ای مبنایش علوم صنعتی و دانسته‌های غیر فطری است که در واقع نوعی سفر به بیرون است و از دانسته‌های خدادادی و فطری‌اش غافل می‌شود.

مؤلف در این کتاب بر آن است تا با این مقایسه و آشنایی مختصر با دو نوع تربیتی طبیعی و عاریه‌ای، از آثار سوء یا ناخواسته تربیت عاریه‌ای جلوگیری شود. در فصل اول کتاب با ارائه نظرات مختلف در مورد تعلیم و تربیت، مسائل را درک خواهد کرد. کودک وقتی به دنیا می‌آید، پاک و بی‌آلایش است. بخشی از تربیت او حاصل محیط و بخش دیگر به نتیجه آزمون و خطای خود اوست. هیچ کس حق ندارد در او بی‌کویید، خطا نکند. او اگر خطا نکند، نمی‌گیرد. آدمی که از ترس شکست خوردن، هیچ کاری نکند، هرگز رشد نخواهد کرد و در نهایت انسانی درمانده و ساکن خواهد بود. از جهت دیگر، والدین افکار و رفتار خود را به ذهن کودک تزریق می‌کنند و بعدها از رفتار پر خاشنگانه او شکایت می‌کنند، در صورتی که خود شما او را به یک جنگ‌افزای مدرن تبدیل کرده‌اید که چشم خود را روی همه ببندد و کلمات دهان خود را بدون در نظر گرفتن فرد مقابل آزاد کند. والد بودن مسئولیت بسیار مهمی است و باید در برابر آن پاسخگو باشید. پس جوری رفتار کنید که از کرده خود پشیمان نشوید. کودک ما لوی نوشته‌شده‌ای است با دستخط خود ما.

سبک سرگرمی

بازی، متعادل کننده خودمحوری

■ **فرزانه نوربان** ■

هر نوع ورزش و فعالیتی که توسط کودکان به منظور تفریح و سرگرمی انجام شود، بازی نامیده می‌شود و از آنجایی که کودک آزادانه به بازی می‌پردازد و از آن لذت می‌برد، تأثیر بسیاری بر او می‌گذارد. به هنگام بازی تمام حواس و انرژی کودکان درگیر می‌شود و از آن لذت می‌برد اما بازی برای کودکان فقط تفریح نیست، بلکه مهم‌ترین و اساسی‌ترین کار کودکان تلقی می‌شود و بی‌دلیل نیست که می‌گویند بازی برای کودکان است؛ چون فعالیت است قابل بررسی یا نقشی مهم.

کودکان در سنین بین دو تا شش سالگی خودمحور می‌شوند و این رفتار در آنها طبیعی بوده و جزئی از مراحل و فرآیند رشدشان محسوب می‌شود. تفکر کودک در مراحل اولیه قرار دارد و کودک در این مرحله خود را محور و مرکز دنیا می‌داند و باورش این است که همه چیز باید در خدمت او باشد و به نوعی می‌تواند که مادر یا کودکانش می‌بینیم به همین دلیل است، اما بازی‌ها می‌توانند خودمحوری را در کودکان متعادل کرده و آنان را به مراحل بالاتر سوق دهند؛ چراکه این مراحل برای رشد کودک ضروری است، اما باید آن را پشت سر بگذارند و به مراحل بعد سوق یابد. اگر نه به اصطلاح روان‌شناسان، تثبیت در این مرحله پیدا کرده و در بزرگسالی هم چنین رفتارهایی را از خود بروز می‌دهد. پس بازی، کودک را می‌شود؛ اما باید آن را پشت سر بگذارند و به مراحل اجتماعی قرار داده و به رشد شخصیت او کمک می‌کند. بازی زندگی اجتماعی را به کودک می‌آموزد و او بسیاری از مسائل و حتی ناکامی‌هایش را در بازی حل می‌کند. از این روست که امروزه از روان‌شناسی بازی همچون روش درمانی

■ **روان‌شناس پایینی**

■ **مدرس، مشاور و پژوهشگر سبک زندگی**

استفاده می‌کنند. از طریق بازی است که

کودکان مضطرب، پر خاشگر، خجالتی، عاطفی، مایوس، افسرده، بیش‌فعال، بدبین، ترسو... را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد و به کمک بازی به روان‌رمانی آنها پرداخت. باید توجه داشت که بازی طبیعی‌ترین شکل تمایل کودک برای تماس و ارتباط با دنیسای اطرافش است. بازی، تلاش و فعالیت لذتبخش و خوشایند است که به رشد همه‌جانبه کودک کمک می‌کند. کودک‌کان خردسال نمی‌توانند افکار و عقاید خود را به‌راحتی با کلام بیان کنند. بنابراین معمولاً از طریق بازی خود را ابراز می‌کنند. در بازی کودک با موقعیت‌های مختلف روبرو می‌شود و چون در بازی نقش بزرگسالی را می‌پذیرد، با کمک شرایط مواجهه شده، به تجربه‌هایی دست می‌یابد که توسط آن می‌تواند در برابر واقعیت‌ها ایستادگی کند.

کودک در بازی به کشف محیط اطراف خود می‌پردازد و نخستین گام‌ها را برای اجتماعی شدن برمی‌دارد و همکاری با گروه را فرا می‌گیرد. بنابراین بازی تمرینی در رشد شخصیت کودک مؤثر باشد. در بازی، کودک به طور طبیعی یاد می‌گیرد و یادگیری بیش از پیش در آن برای او اتفاق می‌افتد. کودک در بازی با آزمایش و خطا روبرو شده و این امر باعث افزایش مهارت‌های او می‌شود. در بازی‌های گروهی نیز مقررات و قوانین اجتماعی مانند همکاری، رعایت نوبت و... را می‌آموزد. این امر باعث می‌شود مهارت‌های اجتماعی نیز در او شکل گرفته و افزایش یابد. بازی باعث می‌شود کودک احساسات خود را بروز دهد و این موضوع خود باعث شکوفایی استعدادهایش می‌شود.